

بیان‌الادیان

مصطفی ذاکری *

کردند ذکر نرفته است. زبان کتاب، فارسی فصیح و سلیسی است که هنوز به تصنع گرفتار نشده است و نثری زیبا دارد.

این کتاب گرانقدر چند بار چاپ شده است و نخست شارل شفر (Charles Shefer) مدیر مدرسه السنه شرقیه پاریس (متوفی ۱۹۰۲) در سال ۱۸۸۳ آن را در جلد اول کتاب منتخبات فارسی (یعنی Chrestomathie persane از صفحه ۱۳۲ تا ۱۷۱) چاپ کرد و ترجمه فرانسسه آن را نیز بدان منضم ساخت و حواشی و تعلیقاتی هم برافزود.

سپس عباس اقبال آشتیانی از روی چاپ شفر آن را مجدداً چاپ کرد و حواشی و تعلیقاتی بر آن افزود؛ اما این چاپ حاوی اشتباهات و سهوهای فراوانی بود که سید احمد کسروی تبریزی آن‌ها را در سه شماره مجله پیمان که خود منتشر می‌کرد در بهمن و اسفند ۱۳۱۳ و فروردین ۱۳۱۴ به تفصیل و با زبانی تند و گزنده برشمرد. این مقالات در کتاب کارند کسروی گردآورده یحیی ذکا چاپ شرکت کتاب‌های جیبی در سال ۱۳۵۲ از صفحه ۵۲۱ تا ۵۳۴ نیز چاپ شده است.

اما چاپ شفر و به تبع آن چاپ عباس اقبال فاقد باب پنجم این کتاب بود و این باب که بعداً یافت شد در جلد دهم مجله فرهنگ ایران زمین از صفحه ۲۸۲ تا ۳۱۸ در ۱۳۴۱ شمسی به تصحیح مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه چاپ شد. بعداً هاشم رضی و محمد دبیرسیاکی و سپس محمدتقی دانش‌پژوه با همکاری قدرت‌الله پیشنمازاده چاپ‌های دیگری از این کتاب عرضه کردند. چاپ اخیر در مجموعه بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار منتشر شده است و متأسفانه اغلاط مطبعی فراوانی دارد که در بعضی موارد باعث سوءتفاهم می‌گردد.

اما چاپ جدید بیان‌الادیان که به وسیله آقای جعفر واعظی صورت گرفته است مزایای فراوانی بر چاپ‌های قبلی دارد و حاوی تصحیح اغلاط آن‌ها و تعلیقات و توضیحات

تألیف محمد بن نعمت بن عبیدالله بلخی، به تحقیق و تصحیح جعفر واعظی، چاپ اقبال، تهران ۱۳۸۹، ۴۰۰ صفحه، ناشر: مؤلف.

این کتاب از جمله قدیمی‌ترین کتب راجع به ادیان و مذاهب است که در دست است و تا آن‌جا که می‌دانیم روتین کتاب فارسی در این زمینه است که در ۴۸۵ هجری در بلخ نوشته شده است و نخستین کتاب فارسی، ترجمه سوادالاعظم است که اصل عربی آن تألیف ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل مشهور به حکیم سمرقندی (متوفی ۳۴۵ هـ. ق) بوده و ترجمه آن در بخارا به امر امیر خراسان نوح بن منصور در حدود سال ۳۷۰ هجری قمری صورت گرفته و در توحید است.

بیان‌الادیان در پنج باب است. در باب اول ادیان و مذاهب متفرقه‌ای را نام می‌برد که پیش از آمدن اسلام به آفریدگار اعتقاده داشته‌اند؛ مانند عرب و عجم و فلاسفه و رومیان و قبطیان و حبشیان و عبریان و ترک‌ها و هندوها و زنگیان؛ و نام خدا را به زبان این اقوام ذکر کرده است. در باب دوم مذاهب پیش از اسلام را شرح داده است و منظور از مذهب، دین است نه شعبه‌ای از دین که در آن مذاهب فلاسفه و یهود و مسیحیان و زردشتیان و بت‌پرستان و هندوان و تناسخیان و صائبان و زندیقان و قرمطیان و سوفسطائیان را شرح داده است. در باب سوم «خبر تفرقه» را شرح داده است که بعد از این ذکر خواهد شد و در باب چهارم از مذاهب اسلام سخن رفته است که شامل مذاهب اهل سنت و شیعه و خوارج و مجبّره و مُشَبَّه و صوفیه و مُرِحَّه است.

باب پنجم درباره کسانی است که به دروغ ادعای خدایی و پیغمبری کردند و از جماعتی که ادعای امامت و پیشوایی

* استاد بازنشسته دانشگاه.



دوره دوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم، مرداد - آبان‌ماه ۱۳۹۱

مفید فراوانی است که برای تحقیق پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران فراهم کرده و سپس در هیأت کتاب منتشر نموده است.

تحقیقات آقای واعظی درباره نام مؤلف کتاب با مراجعه به منابع مختلف و مکان و زمان تألیف آن (یعنی سال ۴۸۵ هجری قمری در بلخ در زمان فخرالملک فرزند نظام‌الملک طوسی از وزرای سلجوقیان) و مذهب مؤلف که نوعی تمایل به تشیع در آن دیده می‌شود ولی ظاهراً سنی روشن‌بینی بوده است که مذاهب مختلف را غالباً با نوعی تسامح می‌نگریسته است، جز در مورد باطنیان که سخت بر آن‌ها تاخته است و احتمالاً اگر هم شیعه بوده است در زمان حکومت سلاجقه که شیوه مبارزه با اسماعیلیه و تشیع را برای ترضیه خاطر خلفای عباسی در پیش گرفته بودند، امکان تظاهر به تشیع برای او فراهم نبوده است.

واعظی کتاب را با مقابله با چند نسخه تصحیح کرده است که ظاهراً اساس کار ایشان همان نسخه‌ای بوده است که شفر از روی آن چاپ کرده بود و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است و با مراجعه به آن معلوم کرده است که شفر و عباس اقبال درست آن نسخه را استنساخ نکرده‌اند و در موارد زیادی چاپ آن‌ها با اصل نسخه مغایرت دارد، اما چون این نسخه فاقد باب پنجم بود این باب را از روی نسخه موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم تصحیح کرده‌اند و سایر نسخه‌ها فقط به عنوان کمک به تصحیح مورد استفاده بوده است. تعلیقات و حواشی و معرفی رجال و بلدان مذکور در متن همه در پانویس‌ها آمده است.

آقای واعظی با کمال تواضع اعتراف می‌کند (ص ۵۴) که خود در حد شاگردان استادانی که قبلاً این کتاب را تصحیح کرده‌اند نمی‌داند ولی با صرف وقت بسیار و مراجعه به منابع متعدد و معتبر توانسته است این تصحیحات و اصلاحات را انجام دهد. کتاب با پنج فهرست به اتمام می‌رسد: نخست فهرست آیات قرآن، دوم فهرست عبارات عربی، سوم فهرست اشعار عربی و فارسی، چهارم فهرست اعلام اشخاص و پنجم فهرست منابع و مراجع که این فهرست اخیر بسیار بلندبالا و شامل تعداد کثیری کتاب و مقاله است که ۳۴ صفحه از کتاب را اشغال کرده است و این خود حاکی از زحمات طاقت‌فرسای آقای واعظی است در کار تصحیح و تعلیق این کتاب که باید

به او در این باب تبریک گفت.

اما «حدیث تفرقه» که در بالا ذکر شد حدیثی است منقول از حضرت رسول که با عبارات مختلفی در منابع مختلف نقل شده است و ساده‌ترین صورت آن به روایت ابوهریره از پیامبر چنین است: «افتترقت الیهود علی احدی و سبعین خرقة و افتترقت النصارى علی اثنتین و سبعین فرقه و تفتترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقه» یعنی یهودیان به ۷۱ فرقه پراکنده شدند و مسیحیان بر ۷۲ فرقه و امت من هم به ۷۳ فرقه منقسم خواهند شد. در برخی روایات اضافه کرده‌اند که از هر کدام از آن‌ها فقط یک فرقه نجات می‌یابند و حتی برخی فرقه‌ها ناجی را هم مشخص کرده‌اند. این حدیث را برخی از فحول علما مورد تشکیک یا رد قرار داده‌اند چنان که ابن خرم ظاهری اندلسی (متوفی ۴۵۶ هـ. ق) که از فحول علمای اهل سنت است در کتاب الفصل فی الملل و الاہواء و النحل (ج ۳ ص ۲۹۲) این حدیث را از نظر سند صحیح نمی‌داند و امام فخر رازی (متوفی ۶۰۶ هـ. ق) در کتاب تفسیر کبیر خود در تفسیر آیه ۹۳ سوره انبیاء می‌گوید که برخی در صحت این خبر سرکوفت زده‌اند و گفته‌اند اگر مراد از ۷۲ فرقه گروه‌های متفرق در مورد اصول ادیان باشد تعداد آن‌ها بدین پایه نمی‌رسد و اگر منظور تفرقه در فروع باشد بسیار بیشتر از این و چندین برابر این است و در کتاب دیگرش اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین (صص ۷۴ و ۷۵) می‌گوید اگر خبر حاکی از آن باشد که مسلمانان بر ۷۳ فرقه‌اند دیگر جایز نخواهد بود که از آن کمتر باشند و اگر بیش از آن‌ها باشند زیانی ندارد و ما در این کتاب مختصر بسیاری از فرقه‌های مشهور را ذکر نکردیم که اگر می‌کردیم چند برابر این‌ها می‌شد و چه بسا که فقط در یک فرقه از فرقه‌های روافض — یعنی امامیه — ۷۳ فرقه بتوان یافت.

برای آراء اشخاص دیگری که در صحت این حدیث تردید کرده یا آن را رد کرده‌اند مراجعه شود به کتاب مانحن فیه یعنی بیان الادیان که آقای واعظی در صفحات ۹۲ تا ۹۵ آن‌ها را برشمرده‌اند.

در حقیقت می‌توان در صحت این حدیث شک کرد؛ زیرا که برحسب این حدیث در زمان خود پیامبر یهود ۷۱ فرقه و مسیحیان ۷۲ فرقه بوده‌اند و لابد بعد از آن نیز تفرقه ادامه یافته و بر تعداد این فرقه‌ها افزوده شده است و معلوم نیست ملاک این جدایی و تفرقه چیست؛ آیا در اصول اعتقادی است



یا در فروع. همان‌طور که در بالا دیدیم در اصول تعداد آن‌ها بسیار کمتر و در فروع بسیار بیشتر است و حتی اگر مته به خشخاش بگذاریم به تعداد نفوس خلائق راه‌هایی به اعتقادات دینی وجود دارد؛ یعنی شاید هیچ دو نفری را نتوان یافت که عقاید دینی آن‌ها عیناً با هم منطبق باشد. دیگر آن که تفرقه مسلمانان را بر تفرقه یهود افزونی داده است در حالی که در واقع چنین نشد و مسیحیت تنها دینی است از دین‌های بزرگ عالم که از ابتدا تاکنون دچار تفرقه عظیمی شده است به نحوی که اختلاف عقاید و اختلاف در شرایع و فرائض دینی در میان آنان به حدی زیاد است که شاید نتوان حتی یک اصل اعتقادی ثابتی را ذکر کرد که همه آن‌ها از قدیم تا امروز درباره آن متفق بوده باشند. حتی تعیث که از اعتقادات اصلی و مهم آن‌هاست مورد قبول همه فرقه‌ها نبوده است و نظرهای بسیار متفاوتی درباره آن ابراز کرده‌اند و امروزه هم اختلاف میان آن‌ها از زمین تا آسمان است به طوری که بعضی از آن‌ها را شاید نتوان اصلاً مسیحی نامید. در سال ۲۰۰۶ میلادی در کنفرانس بین المذاهب مسیحی که در آمریکا تشکیل شد نمایندگان بیش از سیصد فرقه مسیحی شرکت کردند که شاید وجه اشتراک آن‌ها فقط در نام مسیحی بود و این اندازه اختلاف در هیچ دینی دیده نشده است و این اختلافات هم در اصول اعتقادی (یعنی تئولوژی) و هم در فروع آن است و هنوز هم گاه و بیگاه مذاهب جدیدی در مسیحیت به ویژه در آمریکا پیدا می‌شود و باب مذهب‌سازی در این دین مسدود نشده است و در همین صد سال اخیر دو مذهب عمده بر مذاهب مسیحی افزوده شد که طرفداران بسیاری دارد: یکی فرقه علم و سلامتی که به انگلیسی به عنوان Christain Science معروف است که خانمی به نام مری بیکرادی Mary Baker Eddy در ۱۸۷۵ ابداع کرد و اکنون پیروان بسیار به‌ویژه در آمریکا دارد و دوم فرقه مورمورن‌ها Mormons که شخصی به نام جوزف اسمیت Joseph Smith آن را اختراع کرد. حال با این اوصاف چگونه می‌توان فرقه‌های مسلمانان را افزون‌تر از فرقه‌های مسیحی انگاشت؟

دیگر آن که اکثر فرقه‌هایی که به نام فرقه‌های اسلامی یا مذاهب مسلمانان نام می‌برند در حقیقت فرقه جداگانه‌ای نبوده

است بلکه یکی از میان افراد یک فرقه در مورد خاصی نظری داده است که به نام او ثبت شده است. مثلاً در کتاب فرهنگ فرق اسلامی نوشته محمدجواد مشکور معتزله را ۱۳ فرقه دانسته است که اگر نام آن‌ها را در همان فرهنگ پیدا کنید خواهید دید که اختلاف‌شان غالباً فقط در یک جمله است. اگر بقیه فرقه‌ها را هم در این فرهنگ نگاه کنید، درمی‌یابید که اغلب اختلاف‌شان در همین حد است. آیا با ابراز یک جمله یک فرقه جدید به وجود می‌آید؟ و اگر پاسخ مثبت باشد هم‌اکنون در تهران بیش از چند میلیون مذهب وجود دارد.

دیگر آن که اکثر قریب به اتفاق این فرقه‌ها از بین رفته‌اند و جرقه‌ای بوده‌اند که در زمانی از آتشی برخاسته و سپس خاموش شده است.

امروزه فرقه‌های اسلامی از جهت فروع شامل پیروان فقه حنفی و شافعی و حنبلی و مالکی و اباضی و زیدی و شیعه است و از جهت اصول هم شامل شیعه امامیه و اسماعیلیه و سنی و اباضی و زیدی‌اند و دیگر از این بیشتر تجزیه نمی‌شوند و این‌ها به زحمت به ۱۲ فرقه می‌رسند و اختلافات دو فرقه اسماعیلی نزاری و مستعلیه هم چندان نیست که بتوان آن‌ها را دو فرقه کاملاً جدا به حساب آورد. اما در مورد صوفیه امام فخر رازی نخستین بار آن را فرقه نامید ولی آیا آن‌ها یک فرقه‌اند یا ۷۲ فرقه بر حسب طریقت و سلاسل آن‌ها و بعضی از علما بسیاری از فرق صوفیه را اصلاً مسلمان نمی‌دانند تا جزو فرق اسلامی شمرده شوند.

اما علی‌رغم حقیقت فوق برخی از علمای ملل و نحل سعی کرده‌اند که تعداد فرقه‌ها را به حد ۷۳ فرقه برسانند و در این کار دچار تکلف و اشکال شده‌اند و فکر نکرده‌اند که تا قیامت زمان زیادی باقی است و هر لحظه ممکن است فرقه‌های دیگری پیدا شوند که چون پیمانۀ ۷۳ فرقه پر شده است آن‌ها جایی در این میانه نخواهند داشت. علی‌هذا باید قبول کرد که حدیث مذکور جعلی است و زحمات آن‌هایی که خواسته‌اند جدول آن را پر کنند هم نامشکور است.

در خاتمه توفیق بیش از پیش آقای واعظی را در پیشبرد تحقیقات از خدا خواستاریم.

